

بگفتار

سال هفتم • شماره ۶۳

۱۶ صفحه • آذر ماه ۱۴۰۱

ماهنامه سیاسی

@anjomanalzahra

@anjoman_islami_alzahra

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء(س)

سخن سردبیر

الله مولانا

۱۶ آذر، روزی به تمام سیاسی برای رساندن فریاد حق طلبانه‌ی دانشجویان به بیگانه است. در این روز به واقع باید فریاد مرگ بر آمریکا را سر داد. دولتی که هم پیش از انقلاب و هم در سال‌های پس از انقلاب ظالمانه‌ترین تحریم‌ها و نیرنگ‌ها را علیه ایران اعمال کرد. در حال حاضر نیز همواره در برابر جمهوری اسلامی ایستاده‌اند و با شعار حمایت از زنان آزادی‌خواه ایرانی ایران را از کمیسیون بین‌المللی حقوق زن حذف می‌کنند. چه تناقض مضحکی!

در روزگاری که تمام کشورهای دنیا در مقابل ایران اسلامی ایستاده‌اند، چین و عربستان نیز با یک بیانیه ایران را به عقب‌نشینی و عدم دخالت در امور سایر کشورها دعوت می‌کنند. اینکه ایران با شیطان بزرگ دست دوستی نمی‌دهد، اتهام بزرگی است؟ همین یک بیانیه خود نشان از اقتدار جمهوری اسلامی دارد.

تمام دنیا از قدرت جمهوری اسلامی عصبانی‌اند و عده‌ای همچنان در انتظار به زانو در آمدن ایران اسلامی هستند. در وصف حال این عده همین بس که از باخت تیم ملی خود خرسند می‌شوند. این افراد در زندان روایت‌های غلط اسیر شده‌اند. خود برای افراد آشوب‌گر حکم صادر و در خیال خود آنها را به جرم بی‌گناهی تبرئه می‌کنند.

جمهوری اسلامی تنها یک حامی مقتدر دارد و آن خداوند یکتا است. او خود نیرنگ‌های دشمنان را بی‌اثر می‌سازد. این است که ما همچنان نظاره‌گر ایران قوی و مقتدر در حوزه‌های مختلف هستیم. هرگز این توانمندی‌ها و موفقیت‌ها به چشم کسی که ایران عاجز را می‌خواهد نمی‌آید.

رقیه خادم‌نیا

آیا ایران از پشت خنجر خورده است؟

جستاری بر بیانیه‌ی مشترک چین و عربستان

«ص ۶»



این شماره از بی‌تعارف با کمال احترام تقدیم می‌شود به شهید محسن فخری‌زاده، مردی که در بین دشمنان مشهورتر بود تا در بین دوستان.



قاب پنجم: یادبود روز دانشجو؛ حمله نیروهای امنیتی در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ به دانشکده فنی دانشگاه تهران و شهادت آذر شریعت رضوی، مصطفی بزرگ‌نیا و احمد قندچی



سر مقاله؛ بی‌تعارف با خوانندگان!

هدیه گیاه تازه - کارشناسی آمار و کاربردها

سیاسی برای خود دانشگاه الزهراء خواهد بود. این بخش از این جهت که دقیقا توسط خود دانشجویان دانشگاه الزهراء لمس شده و نوشته می‌شود انعکاس جالبی از فضای غالب سیاسی در دانشگاه خواهد بود. این چهار عنوان از این شماره که از قضا مربوط به روز دانشجو هم هست، به بی‌تعارف

هم خود نویسندگان تشویق شوند و هم دنبال‌کنندگان بی‌تعارف بتوانند رشد نویسندگان دانشجویی ما را ببینند. دوم: در راستای گسترش گفتمان مردم سالاری دینی دفتر تحکیم وحدت یادداشت چند بخشی از خلاصه‌ی یک کتاب در همین باب به بی‌تعارف اضافه شده که سریالی است و هر شماره

از آن زمانی که مسیح پیامبر خدا(ع) متولد شد تا هجرت پیامبر خدا(ص) از مکه به مدینه و تا زمانی که خیام دقیق‌ترین تقویم تاریخ را به جهان پیشکش کرد، مناسبت‌های تقویم و یادگاری روزهای آن برای بشر دارای اهمیت بالایی بوده است. نوعی از علاقه در آدمیزاد وجود دارد که علاقه‌مند است روزهای خوب یا بد و یا دارای اهمیت را برای خود یادآوری کند. از آنجایی که انسان فرزند فراموشی و غفلت است این کار شاید باعث شود دقایقی به فکر فرو رود و عبرت بگیرد. ذات ماهنامه نیز شاید از همین جهت دوست داشتنی باشد. ماهنامه ذاتی شبیه یک تقویم جمع‌بندی شده دارد. هم یادت می‌اندازد که در تاریخ چه رخ داده و هم یاد آوری می‌کند که این ماه از عمر تو چگونه گذشته و چه رخ داده است. سعی ما در بی‌تعارف بر این بوده است که همواره برای تمام گروه دانشجویان به اندازه حداقل یک خط مطلب برای خواندن وجود داشته باشد. برای تحقق این مهم چند تغییر مانند تقدیم نشریه و یا قاب عکس‌های قابل تأمل در بی‌تعارف افزوده شده است. از این شماره چند تغییر دوست داشتنی دیگر نیز در بی‌تعارف اتفاق می‌افتد:

اول: در راستای تشویق نویسندگان تازه‌کار و به قولی متن‌اولی مشخصه‌ای قائل شده‌ایم که

نوعی از علاقه در آدمیزاد وجود دارد که علاقه‌مند است روزهای خوب یا بد و یا دارای اهمیت را برای خود یادآوری کند. از آنجایی که انسان فرزند فراموشی و غفلت است این کار شاید باعث شود دقایقی به فکر فرو رود و عبرت بگیرد. ذات ماهنامه نیز شاید از همین جهت دوست داشتنی باشد.

اضافه خواهند شد. نظرات دنبال‌کنندگان بی‌تعارف برای ما اهمیت فراوانی دارد. به راه‌های ارتباطی در تلگرام و ایتا و شماره تماس توجه کنید و ما را از نظرات خود بهره‌مند سازید. ضمنا تریک از دهن افتاده‌ی تیم بی‌تعارف را برای روز دانشجو پذیرا باشید.

از بی‌تعارف خلاصه‌ی یک فصل آن را به ترتیب منتشر می‌کند. سوم: بخش تاریخ پژوهشی انقلاب اسلامی است. یعنی سعی کردیم با توجه به مناسبت‌های تقویم به دنبال یک نقطه‌ی فراموش شده یا تاریک تاریخ انقلاب برویم و برخی موارد را تبیین کنیم. چهارم: یک صفحه‌ی اختصاصی

حضرت فاطمه (س) نمونه‌ی کامل زن آزاده

بانو فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، مصداق برجسته‌ی زن، زندگی، آزادی

● رقیه خادم‌نیا، کارشناسی علوم تربیتی

محدودیت و عقب‌ماندگی تلقی می‌کنند. خطبه‌ی فدک حضرت فاطمه (س) بیانگر حضور فعال ایشان در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی است. همچنین نشان از این دارد که زن مسلمان در انزوا نیست و هر کجا لازم باشد در میدان حضور می‌یابد.

ولایت‌مداری

حضرت فاطمه (س) ولایت را امری مهم تلقی می‌کردند. به طوری که برای دفاع از ولایت امیرالمومنین (ع) به در تک تک خانه‌ی مردمان آن زمان می‌رفتند و بر حمایت از ولی خود تأکید می‌کردند؛

بزرگوار خویش در برابر ظلم و جهل آن روز ایستاد و علم دانایی و ایمان را برافراشت.

جهاد تبیین

این زن بی‌مانند یک عالم به تمام معنا بود. پاسخگوی تمام سؤالات دیگران با رعایت کمال ادب و احترام بود. حضرت فاطمه (س) یک فعال اجتماعی و سیاسی نیز بود. ایشان هر کجا که لازم بود به جهاد تبیین می‌پرداختند و اذهان عمومی را از جهل می‌زداییدند. چنین زن نمونه‌ای در اسلام با چادر آگاهی‌بخشی می‌کرد و در اجتماع حاضر می‌شد اما امروز چادر را نماد

دختر نبوت، همسر ولایت و مادر امامت بهترین و شایسته‌ترین الگو برای هر زنی است. از حضرت زهرا (س) کم می‌گوییم و کم می‌خوانیم. آنچه از ایشان به گوش‌ها رسیده، رنج‌ها و سختی‌هایی است که این بانوی کریم‌النفوس در زمان حیات خویش به جان خریده است. ما در اسلام خود زنی قدرتمند، عفیف و آزاده داریم اما الگوی امروز ما زن غربی

است. زنی که زیبا و جذاب است و تنها هنر او تسخیر قلب مردان است. اگر امروز دختران ما زن غربی را نماد زن، زندگی، آزادی می‌دانند و برای رسیدن به آن تا پای جان هم ایستاده‌اند، ایراد از ماست. کم کاری از جانب امثال ماست که دم از مسلمانی می‌زنیم در حالی که دختر ما زن غربی را قهرمان خویش می‌دانند.

سر دادن شعار زن، زندگی، آزادی از جانب دختران و زنان ایرانی نشان از عدم شناخت صحیح از شخصیت و زندگی حضرت زهرا (س) است. بانو فاطمه (س) در دامان پدری بزرگ شد که امروز نور حقانیت او تمام جهان را در برگرفته است. در دوره‌ای پا به عرصه حیات گذاشت که جهل قلب مردمان آن زمان را تیره کرده بود؛ اما این بانوی بزرگ در کنار پدر

خطبه‌ی فدک حضرت فاطمه (س) بیانگر حضور فعال ایشان در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی است. همچنین نشان از این دارد که زن مسلمان در انزوا نیست و هر کجا لازم باشد در میدان حضور می‌یابد.

است که زن مسلمان، آزاد است و نیز جامعه‌ای که اسلامی باشد، خود نماد آزادی برای سایر جوامع است. لذا مبارزه برای آزادی در ایران بی‌فایده است چراکه ملت ایران ملتی آزاده است. معنای واقعی و صحیح آزادی همین است. نه آن آزادی‌ای که نماد آن حجاب از سر برداشتن است.

کسی که لباس شب عروسی خود را هدیه می‌دهد، زنی است آزاد از تمام خواسته‌های نفسانی. روح او آزاد است. آزادانه زندگی می‌کند و در بند هیچ‌گونه محدودیتی نیست.

اما امروز چه شده است که در مملکت اسلامی به رهبر جامعه هتک حرمت می‌شود؟ از توهین به ولایت قبح‌زدایی شده و همچنان نشسته‌ایم به تماشا. وای بر مدعیان پیرو راه دخت نبی(س).

آزادگی

دیگر ویژگی شاخص حضرت فاطمه(س) آزاده بودن ایشان است. از میان ثروتمندان قریش که خواستار ایشان بودند، علی بن ابیطالب(ع) را که رهیده از دنیا و اموال آن بود شایسته همسری می‌دانستند. کسی که لباس شب عروسی خود را هدیه می‌دهد، زنی است آزاد از تمام خواسته‌های نفسانی. روح او آزاد است. آزادانه زندگی می‌کند و در بند هیچ‌گونه محدودیتی نیست. در عین پوشیدگی، مبارزه می‌کند. به دنبال احقاق حق مظلومان است. پیرو راه ولی خویش است و گمنامی

را رمز سعادت می‌داند. از دامان چنین زنی فرزندی متولد می‌شود که سر خویش را فدای آزادی می‌کند. در آیین مبارک اسلام به وضوح شاهد آزادی هستیم و زنان و مردانی را می‌بینیم که با الگو گرفتن از این خاندان ادامه‌دهنده‌ی راه آزادی هستند. ما ملتی آزاده هستیم؛ ای کاش بفهمیم ما در جمهوری اسلامی که بستر عشق و زندگی است، آزادی داریم. بر روی اهانت به مقدسات و ولایت فقیه و ظلم‌های کف خیابان سرپوشی به اسم مبارزه برای آزادی می‌گذارند و خود را معترض نیز می‌نامند؛ این یعنی هم معنای آزادی متفاوت شده است و هم راه رسیدن به آن. اگر می‌دانستند آزادی چیست، هرگز دست به چنین اعمال ظالمانه‌ای علیه هم‌وطن خویش نمی‌زدند وجود مبارک حضرت فاطمه زهرا(س) نشان دهنده این

آیا ایران از پشت خنجر خورده است؟

جستاری بر بیانیه‌ی مشترک چین و عربستان

اولین تجربه نویسنده‌گی

● فاطمه سادات قاینی، کارشناسی روانشناسی

نرم کردیم و تا همین جا هم خیلی قوی جلو آمدیم. اینکه کشوری بتواند از جنگ تحمیلی ۸ ساله عبور کند، زیر انواع و اقسام فتنه‌هایی که دشمن در سال‌های مختلف به راه انداخته و ناعادلانه‌ترین تحریم‌ها را علیه ایران به اجرا درآورده دوام بیاورد، یعنی خیلی قوی‌تر از این حرف‌هاست و ریشه‌های محکم و پایدار دارد که به این سادگی‌ها و با این جریان‌اتفاقی برای آن نمی‌افتد و از بین نمی‌رود. اینکه انتظار دارند خلیج فارس و دیگر جزایر ایران که با چنگ و دندان حفظ شده‌اند به همین راحتی به دست آنها بیفتند، واقعا مضحک است. اعلام می‌کنند ایران در امور سایر کشورها من جمله سوریه، عراق، یمن، فلسطین، افغانستان و... مداخله نکند ولی با وقاحت تمام مسئله‌ی جزایر سه گانه را مطرح می‌کنند و در کنار این، برای بحران یمن هم نگران هستند و تلاش می‌کنند با ابتکار عمل‌هایی جدی، یک راه حل سیاسی دائمی و جامع پیدا کنند. باشد که رستگار شویم.

می‌رسد شاید بتوان به این اتفاق مانند هر اتفاق دیگری به دید مثبت نگاه کرد و تلنگری باشد برای خودکفایی و اعتماد بیشتر به خودمان که از همان ابتدای شکل‌گیری جمهوری اسلامی، امام خمینی(ره) با شعار نه شرقی، نه غربی استقلال ایران را گوشزد کردند. البته که این، قطعا به این معنا نیست که خودمان را از دیگر کشورها جدا کنیم و کاری به یکدیگر نداشته باشیم؛ خیر. ما از یکدیگر کمک می‌گیریم؛ اما همیشه حواسمان هست که به طور کامل اطمینان نکنیم. در حد ضرورت اعتماد داشته باشیم. چیزی که در حقیقت این شعار نهفته، همین است. وقتی ما به سرمایه‌های کشور خود، نیروهای انسانی و منابع طبیعی و... اعتماد داشته باشیم و باور کنیم که توانمند هستیم، دیگر کسی نمی‌تواند ضربه‌ای بزند. چه آن کشور آمریکا باشد، چه چین و عربستان و...

همین که در بیانیه خواستار همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شدند، گویای همه چیز است. ما با سختی‌های زیادی دست و پنجه

بیانیه‌ای که توسط چین و عربستان شکل گرفت شاید نگران‌کننده باشد که چه اتفاقی در انتظار ایران است؟ آیا ما یکی از متحدین استراتژیک خود را از دست داده‌ایم؟ اینکه این دو کشور که به حمایت یکدیگر در زمینه‌ی اقتصادی، حفظ امنیت و... برخاستند، چه آثاری برای ایران خواهد داشت؟ ممکن است عده‌ای فکر کنند که ایران از نظر اقتصادی، نه تنها اقتصادهای کشورهای غربی را از دست داده، بلکه ممکن است اقتصاد چین را هم از دست بدهد و پس از کشورهای عربی به عنوان بازیگری درجه دوم در غرب آسیا، در رادار دیپلماسی اقتصادی چین در نظر گرفته شود و بدین صورت اقتصاد آن ضعیف و ضعیف‌تر گردد. در حالی که جای نگرانی نیست. اگر یک نگاه جامع به چین داشته باشیم، متوجه خواهیم شد که خود را در شرایط سختی قرار داده است. او هم با ایران روابط دوستانه‌ای دارد، هم با عربستان. حتی با رقیب‌های نزدیک خود مانند ژاپن، هند و آمریکا که تجارت گسترده‌ای دارد، با رقبای آنها نیز روابط عمیق و نزدیکی دارد. این نوع ارتباطات مشخصا آینده‌ی خوبی نخواهد داشت. اینطور که معلوم است اگر روزی ناچار شود بین دو کشور مخالف یکی را انتخاب کند به احتمال زیاد از سوی کشور دیگر دچار فشار می‌شود. به طور کلی آینده‌ی آن کمی ترسناک به نظر می‌رسد. برای مثال، همین حالا ارتباط عربستان و ایران دارای تنش‌هایی است. اگر این تنش‌ها بیشتر و عمیق‌تر شوند، احتمال قریب به یقین کار چین بسیار سخت‌تر می‌شود و آسیب‌هایی را به لحاظ اقتصادی و سیاسی می‌بیند. به نظر



وقتی بین علمای مجازی اختلاف می افتد!

بررسی احکام محاربه در قانون

● معصومه عباس قربانی، کارشناسی تاریخ تمدن و ملل اسلامی



با اعدام محسن شکاری و اجرای حکم محاربه برای او دوباره عده‌ای از خواص و عوام، خود را فقیه و حقوقدان خواندند و آواز نه به اعدام را راه انداختند و حکم فقهی محاربه را با انواع شبهات زیر سؤال بردند. لذا اکنون به بررسی کامل حکم محاربه می‌پردازیم.

اما محاربه چیست و محارب کیست؟ به موجب ماده‌ی ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم محاربه عبارت است از: استفاده از سلاح چه گرم و چه سرد با قصد جان افراد، سرقت اموال، تعدی به حریم ناموس و ترساندن مردم به طوری که امنیت جامعه را از بین ببرد و محارب کسی است که این اعمال را انجام دهد. جرم محاربه زمانی محقق خواهد شد که این اعمال جنبه‌ی عمومی داشته باشد و فرد امنیت جامعه را بر هم زند. لذا اگر کسی با نیت شخصی یک یا چند نفر را مورد حمله و ضرب و جرح قرار دهد و با آنها مشکل شخصی داشته باشد و عمل او جنبه‌ی عمومی

(چه تعرضی به ناموس مردم رخ دهد یا خیر) و یا قصد ترساندن مردم را داشته باشد.

یکی از شرایط تحقق جرم محاربه، استفاده از سلاح است. سلاح شامل سلاح سرد و گرم است مانند هفت تیر، مسلسل، چاقو، قمه و...؛ اما ابزاری چون سنگ، اسپری فلفل و یا قفل فرمان که عرفاً نمی‌توان عنوان سلاح را بر آنها داد اگر کسی از آنها استفاده نماید تحت عنوان محارب قرار نمی‌گیرد.

به موجب ماده‌ی ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی، حکم محاربه در صورتی محقق می‌شود که: «موجب ناامنی در محیط گردد». به نظر می‌رسد جرم محاربه یک جرم مقید باشد و نیازمند برهم خوردن امنیت جامعه می‌باشد و صرف استفاده از سلاح این جرم را محقق نخواهد کرد.

محاربه یکی از جرائمی است که مجازات آن از نوع مجازات حدی است. یعنی نوع، میزان و کیفیت

نداشته باشد، این فعل او محاربه نخواهد بود. همچنین محارب حتما باید «قصد مال، جان یا ناموس مردم» و یا «قصد ارباب مردم» را داشته باشد؛ یعنی مجرم با کشیدن سلاح قصد جان مردم را داشته باشد (صرف نظر از اینکه آسیبی به جان مردم برساند یا خیر) یا قصد مال مردم (فارغ از اینکه مال مردم را ببرد یا نه) یا قصد ناموس مردم



آن در شرع اسلام و در قرآن کریم سوره‌ی مائده آیه‌ی ۳۳ مشخص شده است و قانون‌گذار نیز بر همان اساس حکم می‌دهد. حد محاربه می‌تواند یکی از چهار مجازات اعدام، به صلیب کشیدن، قطع دست راست و پای چپ یا تبعید باشد. البته باید گفت که قاضی دادگاه در انتخاب این چهار مجازات مختار است و در کشور ما عموماً به مجازات اعدام حکم داده می‌شود.

اما ماجرای محسن شکاری چه بود و چرا قاضی به او حکم محاربه داد؟

محسن شکاری، سوم مهرماه ۱۴۰۱ به بهانه‌ی مرگ مهسا امینی و گشت ارشاد، با عربده‌کشی خیابان ستارخان تهران را بست و یکی از مأمورین حافظ امنیت را با قمه مجروح کرد و با اخلال در امنیت

جامعه و ترساندن مردم فرار کرد. او با نام‌گذاری سلاح سرد خود به اسم دانت به خیابان آمده بود. دانت به شخصیتی تخیلی و شیطانی است که پدرش اهریمن و مادرش انسان است. این نمادسازی عجیب نشان از انگیزه‌ی او برای آشوب‌سازی و کشتار و اخلال در امنیت دارد. او بعد از دستگیری و برگزاری دادگاه با وجود فیلم‌ها و تصاویر ضبط شده، اقرار او و شهادت شهود، به نیت قصد جان مردم، آنجا که می‌گوید: «رفتیم تا مأمور بزنیم.» قمه را کشیده و موجب ایجاد ناامنی در خیابان شده بود. به‌نحوی که کسبه از ترس مغازه‌ها را بسته و مردم نیز از ترس محل را ترک می‌کنند. لذا حکم محاربه برای او محقق می‌شود و او به اعدام محکوم شد.

با اعدام محسن شکاری موجی از شبهات برای فشار به قوه‌ی قضائیه مطرح شد؛ از جمله این ادعای عجیب با این عنوان که محسن شکاری و افرادی نظیر او که دست به سلاح بردند، هدف آنها ترساندن مأموران امنیتی بود و به دنبال ایجاد قوت قلب و تشجیع مردم بودند! بنابراین شرایط جرم محاربه محقق نشده است. در جواب این افراد باید بگوییم که به راستی از چه زمانی ارادل و اوباش با بستن خیابان و عربده‌کشی و قمه‌حامی مردم شده‌اند و حتماً این پلیس است که باعث سلب آسایش و امنیت جامعه می‌شود!! و اینکه آیا مأمور امنیتی جزء این مردم کشور نیست که قشر پلیس را از مردم جدا می‌داند؟! می‌دانید؟!

شبهه‌ی دیگری که در رابطه با پرونده‌ی شکاری مطرح شده بود، این مسأله بود که محسن شکاری به قصد ایجاد ناامنی در محیط اقدام به کشیدن سلاح نکرده است.

در پاسخ باید به ماده ۱۴۴ قانون مجازات رجوع کرد؛ در این ماده عنوان شده است که اگر مجرم علم به وقوع نتیجه داشته باشد یا نتیجه‌ی آن قابل پیش‌بینی باشد، جرم محرز است. در پرونده‌ی شکاری آنطور که از شواهد و واکنش‌های محیطی پیداست، در مسأله‌ی کشیدن سلاح و زخمی کردن نیرو، ایجاد ترس در مردم حاضر در خیابان کاملاً قابل پیش‌بینی است. نمی‌توان گفت که فردی در یک مکان عمومی اقدام به کشیدن سلاح کند و به فرد دیگری ولو مأمور قانون حمله کند؛ اما برای دیگر افراد حاضر در آن مکان ناامنی و ترس ایجاد نشود. این واقعه در یک خیابان عمومی و در ساعات حضور و تردد مردم اتفاق افتاده است و عمل او اثر محیطی دارد و محدود به یک ماجرای دونفره یا شخصی نبوده است.



ظاهری دلسوزانه، باطنی نقض کننده

کمیسیون مقام زن در انفجار تبعیض

● زهرا صحرانورد، کارشناسی زبان و ادبیات عرب

براساس اسناد بین‌المللی آمریکا، انگلیس و فرانسه جزء ۰۱ کشور اول در آزار زنان و نقض حقوق زنان هستند. به نظر می‌رسد سازمان ملل متحد مدت‌هاست که به سازمان ملل‌های متحد با آمریکا تبدیل شده است و هدف از جلساتی که در این سازمان برگزار می‌شود، سرکوب کشورهای مستقلی مثل ایران است که اعتقادی به دهکده‌ی جهانی و گاو شیرده شدن آمریکا و متحدانش ندارد.

سازمان ملل بداند چه مادرها و دختران ایرانی که به خاطر تحریم دارویی آمریکا از ساده‌ترین حق خویش یعنی نفس کشیدن و زنده ماندن محروم شدند. چه زنانی که در فرانسه به دلیل داشتن حجاب از حق اجتماعی خود یعنی تحصیل محروم شدند و چه بسیار زنانی که خانه و کاشانه‌ی خود را از دست دادند به خاطر جنگ‌هایی که آغازگر آنها آمریکا یا متحدان او بودند. این درحالی است که کمیسیون مقام زن سازمان ملل به راحتی چشمان خود را بست و هیچ واکنشی نشان نداد.

به عنوان کلام آخر، ایران از عضویت در کمیسیون مقام زن سازمان ملل حذف شد اما در تمام عرصه‌ها همچون نگینی گرانبها در جهان می‌درخشد و ندای برتری بانوی ایرانی در جهان طنین‌انداز خواهد شد. ان‌شاءالله

زنان ایران، وجود بیش از ۲۱ هزار زن نویسنده در حوزه فرهنگ، وجود ۷ هزار استاد زن در دانشگاه‌ها، حضور زنان در ۸۳ رشته تخصصی ورزشی و کسب ۵۳۷ مدال ورزشی برون مرزی طی یک سال توسط زنان، وجود ۰۴ درصدی زنان پزشک متخصص در کشور و... متوجه این مسئله می‌شویم که ایران نه تنها ناقض حقوق زنان نیست بلکه عرصه را برای دستیابی به تک تک حقوق زنان باز کرده است و بانوان خود را بر این اندیشه تشویق کرد که ایران و اسلام همچون دو بال، زن را به مقصد اصلی خود می‌رساند.

با نگاهی به پیشینه‌ی کشورهای موافق حذف ایران از عضویت، این مسئله آشکار می‌شود که غرب (با سردستگی آمریکا، انگلیس و فرانسه) قالب جدیدی برای تغییر هویت زن اصیل به جهان ارائه کرد و ابتدا با فرو بردن زنان خود در این قالب و نشان دادن آنها به عنوان یک پرنسس، زنان جهان را به دور شدن از هویت اصیل خود تشویق کرد اما مسئله این است زنان غرب عروسک‌هایی بودند با ظاهر پرنسس ولی روحیه‌ای بسیار آشفته و بیمار و صدایی که هیچ‌گاه توان اعتراض نداشت.

توئیتی با محتوای عذرخواهی از زنان فرانسه توسط ایمانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه، منتشر شد که سندی است معتبر بر این شواهد. همچنین

سال ۶۴۹۱ میلادی یعنی یک سال بعد از جنگ جهانی دوم زنان آسیب زیادی متحمل شده بودند. سازمانی با هدف «برابری جنسیتی و کمک به پیشرفت زنان» تشکیل شد. نخستین جلسه‌ی این سازمان در فوریه ۷۴۹۱ با حضور ۵۱ عضو در نیویورک تشکیل شد که همگی ۵۱ نماینده آن، زن بودند و همین مسئله آن را از دیگر نهادهای سازمان ملل متمایز می‌کرد.

اولین جلسه‌ی کمیسیون مقام زن با این «اصول راهنما» آغاز به کار کرد: «ارتقای جایگاه زنان، صرف نظر از ملیت، نژاد، زبان یا مذهب، برابری با مردان در همه‌ی فعالیت‌های انسانی و رفع هرگونه تبعیض علیه زنان در مفاد قوانین.»

آیا این اصول توسط واضعان خود اجرا می‌شود؟!!!

ایران از سال ۸۹۹۱ چند دوره به عضویت کمیسیون درآمد. همچنین بر اساس رأی‌گیری نهاد سازمان ملل در آوریل ۴۱۰۲، عضویت ایران در کمیسیون مقام زن برای دوره‌ای دیگر تمدید شد و در مارس ۲۲۰۲ رسماً آغاز به کار کرد. این عضویت علاوه بر برخورداری از حق رأی، می‌توانست فرصتی برای ارائه‌ی کامل‌تر دستاوردها و ابتکارات کشور در حوزه‌ی زنان و خانواده باشد؛ اما این حق قانونی ایران با تشکیل جلسه‌ای در مقر سازمان ملل به درخواست خصمانه‌ی آمریکا و متحدان او لغو شد.

این عمل وقیحانه در حالی رخ داد که ایران سرافراز و پر قدرت پس از انقلاب باشکوه سال ۷۵ تا به امروز براساس اسناد بین‌المللی پرافتخارترین جایگاه را برای بانوان خود رقم زده است.

با نگاهی به مستندات معتبر جهانی (حضور ۰۶ درصدی زنان در دانشگاه‌ها، داشتن نرخ ۰۹ درصدی سواد بین



حماسه در جنگل

روایت پرفراز و نشیب زندگی میرزا کوچک خان از نهضت مشروطه تا شهادت او

● زهرا جعفری، کارشناسی مهندسی مکانیک



به بهانه‌ی سالگرد شهادت میرزا کوچک خان به مرور کوتاهی از زندگی پرفراز و نشیب او می‌پردازیم که کمتر شنیده شده است. تلاش کوچک ما تنها در نقل این تلاش‌های بزرگ و خستگی‌ناپذیر ادای دینی است به تمام کسانی که آرزوی قلبی آنها دیدن ایران آباد و سرافراز است.

میرزا یوسف معروف به میرزا کوچک خان جنگلی در سال ۱۲۶۰ هجری شمسی در خانه‌ی میرزا بزرگ در محله‌ی استادسرا در رشت دیده به جهان گشود. یونس در سنین نوجوانی پس از فراگرفتن خواندن و نوشتن وارد حوزه علمیه رشت شد و به فراگیری علوم اسلامی پرداخت. او تحصیلات علمیه را نزد سید عبدالوهاب صالح ضیاء بری، روحانی مبارز دوران مشروطه گذراند و تحت تأثیر افکار استاد خود از ابتدای نهضت مشروطه به خیل مشروطه‌طلبان پیوست.

پس از به توپ بسته شدن نخستین مجلس شورای ملی به دستوری محمدعلی شاه قاجار استبداد صغیر شکل گرفت و فضای سرکوب برای مشروطه‌خواهان پدید آمد. در این میان مشروطه‌خواهان گیلان، حاکم گیلان را ترور کرده و برای فتح تهران به فرماندهی میرزا کوچک خان به قزوین آمدند و پس از فتح قزوین به همراهی سپاه مشروطه‌طلب اصفهان، تهران را تصرف کردند و محمدعلی شاه را از سلطنت خلع و پسر او احمد میرزا را به سلطنت گماشتند. پس از نفوذ جریانات بیگانه و اختلافات عمیق میان مشروطه‌خواهان، میرزا کوچک خان تهران را رها کرد و به رشت بازگشت و مبارزات خود را در رشت ادامه داد.

و بدین‌سان هسته‌ی اولیه‌ی نهضت جنگل شکل گرفت. پس از تشکیل هیأت مرامنامه‌ای تصویب شد. این مرامنامه دارای ۳۴ ماده‌ی حقوقی، مدنی، انتخابات و ... بود که سه بند نخست آن به شرح زیر است:

۱. حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران و رفع تجاوزات اجانب
 ۲. تحکیم مبانی حکومت ملی
 ۳. محافظت از اصول و قوانین مقدس اسلام
- میرزا کوچک خان با مشورت دکتر

پس از جنگ جهانی اول و بسته شدن قرارداد ۱۹۰۷ میان انگلیس و روسیه، شمال ایران تا تهران در اشغال روس‌ها قرار گرفت و منطقه‌ی جنوبی ایران تا شیراز تحت سلطه‌ی انگلیس درآمد. روس‌ها در سال ۱۲۹۰ هجری شمسی میرزا کوچک خان را به خارج از رشت تبعید کردند و پس از ۳ سال به شرط نداشتن فعالیت سیاسی اجازه‌ی بازگشت او را دادند. میرزا پس از بازگشت همه‌ی گیلانیان را به قیام فراخواند و با مجتهدان گیلانی هیأت اتحاد اسلام را به ریاست آیت‌الله سید عبدالوهاب صالح ضیاء بری تشکیل داد

را شکل دادند و هیأت دولت انقلابی جدید در رشت تشکیل شد.

با قدرت گرفتن بیشتر رضاخان در آن روزها و تجمع قدرت بیشتر انگلیسی‌ها در ایران، احسان‌الله‌خان و خالوقربان در مرداد ۱۳۰۰ هجری شمسی نزد میرزا می‌روند و طرح‌ریزی جدیدی برای کمیته‌ی انقلاب خود انجام می‌دهند که در آن هیچ روسی پست و جایگاهی در این کمیته ندارد و ریاست کمیته به عهده‌ی میرزا کوچک خان است.

با روی کار آمدن رضاخان، او تمام قوا در پی سرکوب نهضت جنگل برآمد و رشت را از تصرف کردها بیرون آورد. یاران میرزا کوچک پشت او را خالی کردند و تسلیم رضاخان شدند. میرزا در آذر ۱۳۰۰ در حالی که فقط تعداد کمی از یاران او باقی مانده بود به سمت کوه‌های خلخال رفت تا دوستان قدیمی خود را گردآورد؛ اما در کوه‌های گیلو در سرما و بارش برف و بوران شدید، گیر افتاد و در ۱۱ آذر ۱۳۰۰ هجری شمسی به علت یخ‌زدگی از دنیا رفت. پیکر او در سلیمان داراب رشت به خاک سپرده شد.

میرزا کوچک خان در طول زندگی خود هیچ‌گاه از مبارزه دست نکشید، هیچ‌گاه برای نجات خود و خواسته‌های مادی و به دست آوردن قدرت مبارزه را رها نکرد و تا آخرین نفس برای استقلال کشور تلاش کرد. غیرت و روحیه‌ی مبارزه‌گری او برای تمام جوانان و مبارزهای بعد از او به عنوان الگو به یادگار مانده است. اما آنجا که باید ثمره‌ی تلاش‌های خود را می‌دید و بعد از به دست گرفتن قدرت آنگونه که آرمان داشت بر مردم به عدل حکومت می‌کرد، دست دوستی به کسانی داد که فکر می‌کرد پای قول و مکتب خود می‌مانند اما پشتش را خالی کردند. رفقا و هم‌زمان او نیز در اوج دوستی با او دشمنی کردند و او تنها ماند. تنهایی او شاید به بهای سال‌ها ظلم و جور تمام شد. کسی نمی‌داند که اگر میرزا تنها نمی‌ماند تاریخ چگونه رقم می‌خورد.

میرزا کوچک و از رهبران نهضت و شهادت دکتر حشمت، برای نهضت جنگل بسیار کمرشکن بود.

کمونیست‌های روسی از آنجا که به افکار سوسیالیستی نهضت جنگل امید داشتند پیشنهاد همکاری به هیأت اتحاد اسلام دادند و اعضای هیأت آن را قبول کردند. پس از مذاکره‌ی میرزا کوچک خان با روس‌ها به توافق‌نامه‌ی رسیدند که به شرح زیر می‌باشد:

۱. تأسیس حکومت جمهوری انقلابی در گیلان
 ۲. عدم مداخله‌ی شوروی در ایران
 ۳. عدم اجرای اصول کمونیسم و ممنوع بودن تبلیغات کمونیستی در گیلان
- در ۱۳ خرداد ۱۲۹۹ حکومت جمهوری انقلابی در گیلان تأسیس شد و کمیسرهای مرکب از جنگلی‌ها و روس‌ها به سر کمیسری میرزا کوچک خان تشکیل شد.

با کنار رفتن هیأت اتحاد اسلام از صحنه‌ی رهبری نهضت جنگل و عدم اجرای اصول توافق‌نامه‌ی توسط روس‌ها، تبلیغات کمونیستی در رشت به شدت افزایش یافت و مردم متدین رشت با دیدن تبلیغات از حمایت این میان احسان‌الله‌خان دوستدار و خالوقربان که رهبری نظامی کردهای جنگل را برعهده داشتند، دارای افکار کمونیستی بودند و با روس‌ها علیه میرزا کوچک خان کودتای سرخ رشت

حشمت که در لاهیجان طبابت می‌کرد تصمیم گرفت پایگاهی در انبوه جنگل‌های گیلان برای آغاز عملیات نظامی علیه روس‌ها تأسیس کند. در ابتدا اعضای نهضت جنگل به صدنفر هم نمی‌رسید و سلاح آنان عبارت بود از داس، تبر و اسلحه‌های شکاری. هدف آنان در هر مرحله و مبارزه بیرون راندن اشغالگران روسی از کشور بود و در طی ۵ سال ضربه‌های سهمگینی به پایگاه‌های نیروهای روس زدند. دولت نیز با فشار انگلستان از هر طریق و روشی که بلد بود برای مبارزه با نهضت جنگل پرداخت. اما هرچه می‌گذشت بر شمار افراد نهضت جنگل افزوده می‌شد. در نهایت انگلستان خواستار مبارزه با هیأت اتحاد اسلام و آتش بس شدند. در ۲۲ مرداد ۱۲۹۸ قراردادی میان نمایندگان هیأت اسلام و انگلیس در صفا سر رشت مبنی بر اینکه جنگلی‌ها اجازه‌ی عبور به نیروهای انگلیس بدهند و انگلیسی‌ها در امور داخلی ایران و گیلان دخالت نکنند، بسته شد.

پس از نخست‌وزیر شدن وثوق الدوله عامل سرسپرده‌ی انگلیسی‌ها و منتصب شدن تیمورتاش به استانداری گیلان، فشارها بر جنگلی‌ها به شدت افزایش یافت و ده‌ها نفر به جرم کمک مالی به جنگلی‌ها اعدام و صدها نفر زندانی شدند. در این میان تسلیم شدن حاج احمد کسمایی از مشاوران



اولین صفحه‌ی اختصاصی بررسی فضای سیاسی دانشگاه الزهرا

زنان علیه زنان!

● هدیه گیاه تازه - کارشناسی آمار و کاربردها

برای مخاطبان نسبتاً فراوانی که این کلمات را می‌بینند و زیر بار فشار درس و یا علاوه بر فشار درس زیر بار فشار دوری از خانواده هستند، بسیار دردآور است که اکنون باید به صورت اجباری کلماتی که دوست ندارند را هم نگاه کنند و تحمل نمایند. همچنین علاوه بر تمام فشارها به عنوان یک دانشجوی اکنون باید فشار تحمل ضد ارزش‌های خود و یا کلمات رکیک را نیز تحمل نمایند. همان‌طور که می‌دانید چه در قانون کشور ما و چه در قانون کشورهای لاییک مانند فرانسه و هلند استفاده از این کلمات جرم تلقی شده و گاهی حتی مصداق آزار جنسی نیز دارد. البته منظور این نیست که اکنون یک عده مشغول آزار عده‌ی دیگر هستند بلکه آنچه مد نظر است این است که با نوشتن این نوع شعارها آن هم به کرات در فضای خوابگاه‌های دانشگاه نوعی آزار و اذیت دیداری که ضد آزادی است شکل گرفته است. اینکه چرا دانشجویان تا زمان دیپلم عموماً سلامت فکری و اخلاقی قابل قبولی دارند و وقتی وارد دانشگاه در یک شهر دیگر یا حتی در شهر خود می‌شوند آنقدر از نظر اخلاقی آسیب می‌بینند که خود نشان می‌دهد دانشگاه‌ها تا چه حد خود را متعهد در حفظ سلامت اکثر دانشجویان نمی‌کنند. مشخصاً در دانشگاه الزهرا نیز از این قاعده مستثنی نیستیم که چرا وقتی یک عده‌ی غیر فراگیر بی‌اخلاقی می‌کنند، کسی مقابل آنها نمی‌ایستد و همین افراد باعث اشاعه‌ی رفتارهای نادرست در دانشگاه هستند. اولیاء دانشجویان با هزار امید فرزندان خود را به دانشگاه می‌فرستند و پس از اتمام دوره‌ی تحصیل کارشناسی با یک فرد دارای مدرک کارشناسی اما با مشکلات اخلاقی جدی روبه‌رو هستند. لازم به تذکر دوباره نیست که چرا هیچ‌کس فکری به حال این وضع نمی‌کند و آنچه که از نتایج اشاعه‌ی رفتار غلط بر سر دانشجویان جوان و ساده می‌آید، متوجه مسئولان دانشگاه است که به راحتی اسباب از بین رفتن آینده‌ی جوانان را فراهم می‌سازند. به امید آنکه این سفره‌ی بی‌برکت هرچه سریع‌تر جمع شده و از این نوع رفتارها جلوگیری شود.

نوعی حس شور و افتخار ایجاد کنند. آنچه که اکنون در فضای یک دانشگاه مختص بانوان دیده می‌شود نه مایه‌ی مباهات و فخر که مایه‌ی شرمساری توهین‌های زشت زنان بر علیه زنان است. اگر مثلاً یک معلم به قشر معلمان توهین کند، نتیجه‌ی این توهین به جز اینکه دیگر هیچ‌کس برای قشر معلم احترامی قائل نیست، چیست؟ یعنی نباید هیچ‌وقت طوری رفتار کنیم که بانوان خود جنسیت خود را بی‌ارزش و خوار کنند. زمانی که بانوان خود شعاری می‌دهند که به جنسیت خود توهین می‌کند، ما چگونه باید توقع داشته باشیم که مردان این شعارهای جنسیت‌زده را استفاده نکنند؟ و یا بالاتر به کسانی احترام بگذارند که خود به خودشان احترام نمی‌گذارند؟ مسئله‌ی بعدی نیز ضرورت حفظ حیا در شعارهایی است که در دانشگاه دیده نمی‌شود. آدمیزاد ذاتاً مأخوذ به حیاست و از بی‌حیایی فراری. وقتی شعارهایی داده شود و یا دیده شود که با این ذات پاک آدمیزاد جور نیست در ذهن نمی‌ماند؛ چون خوشحال‌کننده نیست که مکرراً کلمات رکیکی را در ذهن استفاده کنی. همچنین ذهن آدم نیز این ادبیات را تا حد ممکن به خاطر نمی‌سپارد؛ زیرا که ادب همواره یک ارزش تجلیل شده در میان افراد تمام جوامع است و این حرکات خود یک ضد ارزش برای عامه‌ی جامعه و برای عامه‌ی دانشجویان محسوب می‌شود.

آنچه که اکنون در فضای یک دانشگاه مختص بانوان دیده می‌شود نه مایه‌ی مباهات و فخر که مایه‌ی شرمساری توهین‌های زشت زنان بر علیه زنان است. اگر مثلاً یک معلم به قشر معلمان توهین کند، نتیجه‌ی این توهین به جز اینکه دیگر هیچ‌کس برای قشر معلم احترامی قائل نیست، چیست؟

دانشگاه الزهرا یک دانشگاه دخترانه که البته تاریخ جالبی هم دارد. چه زمان تأسیس که دانشگاه عالی دختران بود و چه بعد از انقلاب که به نام محبوبه متحدین یکی از مبارزان مشهور مجاهدین خلق نام گرفت و چه زمانی که به نام الزهرا تغییر کرد، از نظر سیاسی کماکان مورد توجه بود. بیشتر بانوان حاضر در عرصه‌ی سیاسی نیز پس از انقلاب خط و ربط قابل توجهی با این دانشگاه داشته‌اند. همین موارد ما را بر آن داشت که صفحه‌ی اختصاصی سیاست در دانشگاه الزهرا را به نشریه اضافه کنیم تا ماهانه حداقل یک صفحه پیگیر فضای سیاسی دانشگاه باشیم. دانشگاه الزهرا با تلاش تشکل‌های دانشجویی خود توانسته همواره جایگاه سیاسی خود را به شکل مستقل و اثرگذار حفظ کند. آنچه ما برای این شماره در نظر گرفتیم، شعارنویسی و شعاردهی کف این دانشگاه تماماً زنانه به عنوان جایی برای ارج و قرب نهادن بر فهم بانوان است. در اتفاقات اخیر شاهد جمعیت زیادی کف جامعه نبودیم؛ اما آنچه قابل توجه است نوع این حضور و نوع اکت سیاسی این جمعیت است. به شکلی که به پارتیزانی‌ترین شکل ممکن انجام می‌پذیرد. یعنی شما برای مثال شاهد بسته شدن خیابان از جمعیت انبوه نیستید. اما آنقدر شعار بر در و دیوار دانشگاه و جامعه می‌بینید که تصور می‌کنید به واقع ما در یک انقلاب در آستانه‌ی پیروزی قرار داریم. رهاورد این حس در آستانه‌ی پیروزی بودن چیست؟ یک نوع جسارت بسیار بالا و افراطی. به حدی که می‌بینیم برخی از افراد تصور می‌کنند حتی اگر به خاطر فعالیت‌های خود به زندان هم بروند پس از مدت کوتاهی آزاد خواهند شد! اما شعارنویسی چه کارکردی دارد؟ کارکرد مهم آن یک جور خالی کردن ذهن و البته نگه داشتن مخاطب شعارها در جو ساخته شده برای انقلاب است. معمولاً آرمان‌های یک انقلاب و یا هدف نهایی آنها بر دیوارها حک می‌شود. معمولاً به خوش لفظی و خوش آهنگی و موجز بودن شعارها نیز توجه ویژه‌ای می‌شود. به شکلی که به راحتی در ذهن بمانند و یا اینکه بتوانند در مخاطب

حکومت دینی یا دموکرات؟ مسئله مشروعیت است و کار آمدی!

خلاصه‌ی فصل اول کتاب مردم سالاری دینی از منظر رهبر انقلاب

● فاطمه خلیل یگانه، کارشناسی تاریخ

نظریه‌های مارکسیستی در گرایش‌های مختلف آن شرح می‌دهد. دموکراسی نخبه‌گرای رقابتی مدلی از حکومت دموکراتیک است که در آن نخبگان سیاسی کارآمد تصمیم‌گیرندگان هستند. در مدل دموکراسی تکثرگرایانه، به دیدگاه تجربی در دموکراسی که مبتنی بر نظریات اندیشمندان و نویسندگان امریکایی است توجه می‌شود. مدل‌های دیگر چون دموکراسی حقوقی، دموکراسی مشارکتی، دموکراسی خودمختار، دموکراسی فراگیر، ارائه داده است. گوی ارمه در کتاب فرهنگ و دموکراسی به این مفهوم از منظر دو مکتب فکری می‌پردازد: مکتب اول، دموکراسی را سازوکار محض فرمانروایی می‌داند و عاری از هدف اجتماعی و دومی برعکس، دموکراسی را کمتر تشکیلات نهادین و بیشتر طرحی برای یک جامعه می‌داند. در دموکراسی بین ماهیت و حقیقت دموکراسی و الزامات و ابزارهای تحقق

۲- حکومت قانون
۳- تعددن خبگان و گروه‌های قدرت. در میان این سه دریافت، تعارضاتی وجود دارد که عامل وجود ابهام در معنای دموکراسی شده است. دموکراسی و روش‌های دموکراتیک یکسان نبوده و می‌تواند تجلیات متنوعی پیدا کند. دیوید هلد در کتاب مدل‌های دموکراسی، تقسیم‌بندی یازده‌گانه‌ای کرده است: دموکراسی کلاسیک که از خصوصیات آن مشارکت مستقیم شهروندان در امور قانون‌گذاری است. دموکراسی حمایتی که در آن حوزه‌ی دولت از جامعه‌ی مدنی مجزا است و اختیارات دولت محدود است. دموکراسی تکاملی رادیکال بدین شکل است که شهروندان از برابری سیاسی و اقتصادی و آزادی برخوردارند. در دموکراسی تکاملی حق رأی همگانی بوده و تفکیک قوا بطور کامل در آن وجود دارد. دیوید هلد مدل دموکراسی مستقیم مارکسیستی را به همراه شرح

در فصل اول از این کتاب، پژوهشگر به تعریف مفاهیم اساسی‌ای چون دموکراسی، دین، حکومت دینی، مشروعیت و کارآمدی پرداخته است. دموکراسی واژه‌ای یونانی است که ارائه‌ی تعریفی از آن سهل و ممتنع است. امروزه با انواع تعاریف مواجه هستیم. رژیم‌های خودکامه خود را دموکرات می‌نامند و حتی رژیم کمونیستی شوروی خود را نماد واقعی دموکراسی می‌کند. نقطه مخالف حکومت دموکراتیک، حکومت‌های استبدادی هستند. آبراهام لینکلن دموکراسی را حکومت مردم به وسیله‌ی مردم و برای مردم می‌دانست. در بعضی جوامع تعبیر رسماً پذیرفته‌شده‌ی دموکراسی به حوزه‌ی سیاسی محدود می‌شود؛ در صورتی که در جوامع دیگر به حوزه‌های دیگر زندگی اجتماعی گسترش می‌یابد. ساموئل هانتینگتون در کتاب مشهور خود به نام موج سوم دموکراسی می‌گوید: ژوزف شومپیتر در سال ۱۹۴۲ مفهوم دموکراسی را به بهترین صورت بیان داشته و دموکراسی دو بعد رقابت و مشارکت به خود می‌گیرد. همین نویسنده انتخابات علنی، آزاد و عادلانه را جوهر دموکراسی دانسته است. در باب اهداف حکومت دموکراتیک اختلاف وجود دارد؛ برخی آزادی را هدف اصلی نظام دموکراتیک می‌دانند و برخی دیگر عدالت را کما مطلوب دموکراسی تلقی می‌کنند. در مجموع امروزه چنین ابراز می‌دارند که دموکراسی در سه مفهوم به کار رفته است:

۱- حکومت اکثریت



و می‌فرمایند: «حکومت اسلامی به معنای حکومت اسلام است نه حکومت مسلمین.» مشروعیت از مفاهیم زیربنایی در شکل‌گیری حکومت است. قدرت، هنگامی مشروعیت پیدا می‌کند که فرمان و اطاعت، توأم با حقانیت تلقی شود. اقتدار مشروع، اقتداری است که از جانب کسانی که تحت کاربرد آن قرار می‌گیرند، معتبر یا موجه تلقی شود. همه‌ی حکومت‌های اسلامی می‌کوشند نشان دهند اقدامات خود مشروع است. در کتاب‌های مختلف فلسفه‌ی سیاسی و مبانی سیاست، تعاریف متعددی از مشروعیت ارائه شده است. در فلسفه‌ی سیاسی، مشروعیت به حقانیت اشاره دارد و عبارت است از توجیه عقلانی اعمال حکومت از سوی حاکم. مشروعیت پایه‌ی قوام و مایه‌ی دوام هر حکومت است. اندیشمندان علوم سیاسی از دو زاویه‌ی فلسفی و جامعه‌شناختی به بحث منابع مشروعیت پرداخته‌اند. در نظام مردم سالاری دینی که مبتنی بر خاستگاه الهی شکل گرفته است، در این نظام که مدل ایدئال حکومت اسلامی است در عصر غیبت، این مردم مسلمان هستند که مبتنی بر کرامت انسان حق دارند، این میان صاحبان صلاحیت، یکی را که از درجات بالاتری برخوردار است به تشخیص خود به عنوان حاکم اسلامی برگزینند. این حق انتخاب مردم نه برخاسته از نظام حقوقی سکولار غرب بلکه مبتنی بر حقوق الهی است. مفهوم کارآمدی از مهم‌ترین مفاهیم علوم مدیریت و اقتصادی است. کارآمدی را در علم مدیریت استفاده‌ی مطلوب از منابع یا عوامل تولید یا قابلیت و توانایی رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده و مشخص، تعریف کرده‌اند. تایلور پایه‌گذار مدیریت جدید است که برای اولین بار کارآمدی در مدیریت را تعریف کرد. کارآمدی درحقیقت بیانگر قابلیت و توانایی هر کشور توسط مدیران و کارگزاران شایسته‌ی آن است. در علم مدیریت، کارآمدی در گرو کسب اهداف تعیین‌شده و رضایت خاطر کسانی است که در راه رسیدن به اهداف نقش دارند.

کتاب مدنظر است، عبارت است از: دین اسلام، به عنوان مجموعه‌ی آموزه‌هایی که از طریق کتاب و سنت حضرت رسول (ص) و اهل بیت عصمت (ع) برای سعادت بشریت ارائه شده است. در رابطه با حکومت دینی نظرات متنوعی ارائه شده که این نظرات در مدلی پیشنهادی مبتنی بر سه رویکرد می‌توان تقسیم‌بندی نمود: رویکرد ساختاری، رویکرد کارکردی، رویکرد ساختاری-کارکردی. براساس این سه رویکرد مذکور و بررسی آراء و نظرات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان معنای واقعی حکومت دینی را رویکرد سوم دانست؛ یعنی نگاهی تلفیقی که لازمه‌ی اسلامی بودن حکومت وجود الگویی در ساختار تشکیل حکومت از ملاک و معیار انتخاب حاکم تا سازوکار انتخاب حاکم و معیار تصمیم‌گیری می‌داند و بر کارکرد و کارآمدی تأکید می‌کند. در واقع این رویکرد هم بر دینی بودن ساختار و هم بر دینی بودن کارکرد توجه دارد. حضرت امام (ره) نیز به این حقیقت اشاره می‌دارند: «حکومت اسلامی باشد ان شاءالله، احکام اسلام جریان پیدا کند. الان که از احکام اسلام در ایران خبری نیست، طلاق و نکاح و معاملاتش مطابق احکام اسلامی است؟ ماهیت جمهوری اسلامی این است که با شرایطی که اسلام برای حکومت قرارداد، با اتکا به آرای عمومی ملت، حکومت تشکیل شده و مجری احکام اسلام می‌باشد.» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز در تعریف حکومت اسلامی آن را حکومت اسلام دانسته

آن مانند پارلمان، باید تمایز قائل شویم. این الزامات و ابزارها می‌توانند متأثر از زمان و مکان، دستخوش تغییر شوند. در جمع میان دموکراسی و دین باید با تأمل بیشتری صحبت نمود. در دهه‌های اخیر، نظریه‌پردازی دوباره دموکراسی، گرایش ضد اکثریت و به نوعی ضد توده یافته و از توده به عنوان خطری برای دموکراسی یاد می‌شود. بحث مردم سالاری دینی باید به نوعی با توجه به این معنا از دموکراسی که تفویض قدرت به مردم باشد، صورت پذیرد. دین حقیقت و مفهومی کلیدی در زندگی بشر است. تعارف متعدد از دین وجود دارد. این دعوی که دین جوهر واحدی است، از تمایل درونی انسان که در تجلیات گوناگون خود در بسترهای فرهنگی اجتماعی مختلف، صور گوناگون یافته منبث می‌شود. منازعه‌ی دامنه‌داری میان متکلمان و جامعه‌شناسان در درک و معرفی ماهیت دین وجود دارد. تعریف دین به دلایلی چون اختلاف در روش‌شناسی تعریف دین، اختلاف در مصادیق دین به عنوان ابزار شناخت ماهیت دین، خلط میان دین و دین‌داران، پرسش از درون دین یا برون دین، به‌کاربردن مفاهیم مبهم و کیفی در تعاریف دین، استفاده از تعریف‌های لغوی و لفظی به‌جای تعریف اصطلاحی و همچنین موارد دیگر، دارای آفت‌ها و مشکلات بسیاری است. متفکران غربی و اسلامی هر کدام تعاریف متنوعی از دین کرده‌اند. اما در کل، آنچه از واژه‌ی دین و در ترکیب مردم سالاری دینی در این



به دنبال حقیقت، برای شکستن تحریف!

تلاشی برای فراموش نکردن آنچه که اتفاق افتاده...

هدیه گیاه تازه - کارشناسی آمار و کاربردها



محمد باقر صدر با امام خمینی (ره) برای منشأ فکری قانون اساسی است؛ مثلاً شهید صدر پیشنهاد می‌دهد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی این موارد انجام گیرد:

۱. نهادینه کردن فقهت در قانون اساسی و تحکم موقعیت و جایگاه حقوقی مرجعیت به عنوان نهادی که طی سالیانی دراز در عمق جامعه تشیع رسوخ کرده است.

۲. اعطای حق انتخاب به ملت در همه‌ی ابعاد و جوانب حکومت در عین پذیرش #ولایت‌فقیه به عنوان منشأ مشروعیت.

۳. تساوی آحاد ملت، از مسلمان و غیر مسلمان در حق آزادی، کرامت و مشارکت همه جانبه و همه‌ی حقوق

آینده آثار بسیار ناگوار دارد...» یا در جایی دیگر می‌فرماید: «تاریخ در گذشته مع‌الأسف غالباً به دست دشمن نوشته شده است، امید است که نگذارید تاریخ این نهضت را نیز دشمن بنویسد...»

پس به بهانه‌ی مناسبت‌های تقویم در پی نوشتن برآمدیم که هرچند کوتاه یکی از مناسبت‌های تاریخی را آنگونه که بوده نقل کنیم تا هم حافظه‌ی تاریخی ما تقویت شود و هم راه و تفکرات افراد این تاریخ پر پیچ و خم را گم نکنیم. برای اولین یادداشت به بهانه‌ی ۱۲ آذر سالروز تصویب قانون اساسی سری زدیم به پیش نویس‌ها و مبدأ فکری قانون اساسی.

آنچه پس از بررسی مشخص می‌شود شباهت بسیار زیاد تفکرات شهید

پس از پیروزی انقلاب راه پر پیچ و خمی مقابل انقلاب نوپای ایران وجود داشت. یکی از پیچ‌های خطرناک این راه تحریف تاریخ انقلاب بود. آنجا که امام (ره) فرمود: «ما که هنوز در قید حیات هستیم و مسائل جاری ایران را - که در پیش چشم همه‌ی ما به روشنی اتفاق افتاده است دنبال می‌کنیم، فرصت‌طلبان و منفعت‌پیشگانی را می‌بینیم که با قلم و بیان، بدون هراس از هرگونه رسوایی، مسائل تاریخی و نهضت اسلامی را بر خلاف واقع جلوه می‌دهند و به حکم مخالفت با اساس نمی‌خواهند واقعیت را تصدیق کنند و نمی‌توانند قدرت اسلام را ببینند و شکی نیست که این نوشته‌های بی‌اساس به اسم تاریخ در نسل‌های

انسانی و حق آزادی مذهبی.
 ۴. تساوی افراد ملت اعم از حاکم و محکوم در مقابل قانون.
 ۵. لزوم تنفیذ رئیس‌جمهور توسط ولی فقیه به جهت مقابله با نفوذ عوامل گوناگون در ارکان قدرت، تقلب در انتخابات، استفاده‌ی نامشروع از اهرم‌های مالی و اقتصادی و...
 ۶. اهداف والای #حکومت_اسلامی فراتر از اهداف مادی و حیوانی پس از اینکه مسئولیت نوشتن قانون اساسی به عهده‌ی دولت موقت

مهدی بازرگان در یک سخنرانی به مناسبت رحلت آیت‌الله طالقانی از مصوبات مجلس خبرگان اظهار نگرانی کرد که این اظهارات با واکنش شهید آیت‌الله بهشتی، روبه‌رو شد. ایشان در پاسخ به بازرگان گفتند: «ملت ما و تحصیل‌کرده‌های ما نگران چه هستند؟ برای من و برای دوستان ما خیلی بیش‌تر اظهار نگرانی آقای مهندس بازرگان نخست‌وزیر مورد علاقه‌ی ما در سخنرانی دیروز خود مورد توجه بود؛



گذاشته شد، برخلاف تصور قانون اساسی شباهت زیادی به نظام‌های سکولار داشت. تا جایی که بسیاری از صاحب‌نظران آن روز و حتی خود موافقان دولت موقت نیز به مخالفت برخاستند که در این بین شاخص‌ترین نظرات یعنی نظر دکتر بهشتی که نایب رئیس مجلس خبرگان بود و شهید هاشمی‌نژاد را مرور می‌کنیم:

زیرا از سخنان ایشان هم نگرانی از کار مجلس خبرگان استشمام می‌شد. ایشان از چه چیز نگران هستند؟ از این که نمایندگان به راستی میلیون‌ها مسلمان انقلابی ایران، اینجا گرد هم آمده‌اند تا قانون اساسی را بر پایه‌ی اصالت‌های اسلام بررسی و تصویب کنند، نگرانند؟
 سید عبد‌الکریم هاشمی‌نژاد نیز در

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س) | مدیر مسئول: هدیه گیاه تازه | سردبیر: رقیه خادم نیا

هیئت تحریریه: رقیه خادم نیا، فاطمه سادات قابینی، معصومه عباس قربانی، زهرا صحرا نورد، هدیه گیاه تازه، فاطمه خلیل یگانه، زهرا جعفری

صفحه آرا: زهرا جعفری

انجمن اسلامی دانشگاه الزهرا (س) در صفحات مجازی: @anjoman_eslami_alzahra | @anjomanalzahra

شماره تماس: +۹۱۳۹۹۶۸۶۱۱ / +۴۸۰۲۶ / +۲۱۸۸۰۴۸۰۲۶